

کهن ترین متون فارسی به خطوط غیر عربی (عبری، سریانی و مانوی)

حسن رضائی باغبیدی (دانشگاه تهران)

مقدمه

کسی نمی‌داند که فارسی دری نخستین بار در چه زمانی به نگارش درآمد. البته، به احتمال قوی، از همان آغاز فتح اسلامی، برخی از ایرانیان مسلمان شده، برای برآوردن نیازهای روزانه و شاید حتی در مکاتبات خصوصی، خط عربی را برای نگارش زبان خویش به کار می‌بردند. در میان دست‌نوشته‌های مانوی یافت شده در واحه تُرفان در ترکستان چین، قطعه‌ای بسیار کوتاه شامل چند واژه به فارسی دری و به خط عربی پیدا شده است. این قطعه، در واقع، کهن‌ترین نمونه فارسی نو به خط عربی است و به اوایل قرن چهارم هجری تعلق دارد (تصویر ۱). با وجود این، کهن‌ترین دست‌نوشته موجود از یک متن فارسی به خط مأخوذ از عربی کتاب الأبنیه عن حقائق الأدویه اثر ابومنصور موفق هروی به خط علی بن احمد اسدی طوسی است که تاریخ کتابت آن سال ۴۴۷ است. به همین دلیل است که، در بررسی تاریخ زبان فارسی، غالباً شواهد مربوط به پیش از سال ۴۴۷ را از منابع غیرمستقیم و گاه متأخر نقل می‌کنند. این شواهد را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: ۱) کلمات و جملات پراکنده فارسی در آثار عربی (← صادقی ۱۳۵۷، ص ۵۴-۱۱۷؛ ۲) اشعار و قطعات منسوب به قدیم‌ترین شاعران فارسی‌گوی در متون کهن عربی و فارسی.



تصویر ۱. پشت و روی کهن‌ترین دست‌نوشته موجود فارسی به خط عربی^۱

ابوهلال حسن بن عبدالله بن سهل عسکری (وفات: حدود ۴۰۰)، اهل عسکر مُکَرَّم خوزستان و متخصص زبان و ادبیات عربی در قرن چهارم، در التلخیص فی معرفة اسماء الاشیاء، ضمن شرح بعضی اسم‌های عربی، معادل فارسی آنها را نیز ذکر کرده است که برخی از آنها گونه فارسی خوزستانی را می‌نمایاند (← همو ۱۳۸۰، ص ۱۶۵-۱۹۸). برخی از شعرای عرب نیز، به خصوص ابونواس حسن بن هانی (حدود ۱۴۰-۱۹۸)، واژه‌های فارسی را در اشعار خود به کار برده‌اند (← محقق ۱۳۳۹). از زاهدان، صوفیان و عارفان قدیم ایرانی که در قرون نخست هجری در شهرهای ایران می‌زیستند، به خصوص ابوعبدالله حبیب بن عیسی فارسی معروف به حبیب عجمی و بایزید بسطامی، عبارات‌ها و جمله‌هایی به فارسی در خلال کتاب‌های عربی بر جای مانده است (← پورجوادی ۱۳۸۰؛ ۱۳۸۲). در میان عرفای قرن سوم خراسان، ابوعبدالله محمد بن حسن ترمذی، در آثار خویش، بیش از دیگران از واژه‌ها و عبارات‌های فارسی استفاده کرده است (← همو ۱۳۸۲، ص ۱۳-۱۶). به علاوه، در دیگر متون عربی نیز، گاه کلمات فارسی یافت می‌شود. مثلاً فقیه حنفی، نجم‌الدین ابوحفص عمر بن محمد نسفی (وفات: ۵۳۷)، در طلبة الطلبة، در ضمن شرح الفاظ کتاب‌های فقهی حنفی، گاه معادل فارسی برخی از کلمات عربی را ذکر کرده است. (← محقق ۱۳۷۴؛ رواقی ۱۳۷۴)

(۱) این دست‌نوشته و دست‌نوشته‌هایی که در تصاویر ۳، ۵ و ۶ نمایانده شده‌اند در اختیار فرهنگستان علوم برلین - براندنبورگ قرار دارند و در کتابخانه دولتی برلین نگهداری می‌شوند. این تصاویر برگرفته از سایت زیر است: <http://www.bbaw.de/forschung/turfanforschung/dta/>

شاید بتوان کهن‌ترین شعر فارسی دوره اسلامی را «سرود اهل بخارا» دانست که مربوط به زمان فتح بخارا به دست سعید بن عثمان (۵۶ هـ) و ماجرای عشق او به خاتون بخاراست. بیتی از این سرود را ابوجعفر محمد بن حبیب بغدادی چنین نقل کرده است:

کور خمیر آمد خاتون دروغ گنده^۲
(اسماء المغتالین...، ص ۱۶۷)

قطعه جالبی را نیز طبری نقل کرده است که مردم بلخ، پس از شکست اسد بن عبدالله قسری از خاقان ترک در سال ۱۰۸ و ورودش به بلخ، برایش سروده بودند و کودکان بلخ در کوچه‌ها می‌خواندند:

از ختلان آمدیه بر^۳ و تباہ آمدیه آبار^۴ باز آمدیه خشک نزار آمدیه
(تاریخ الأمم...، ج ۴، ص ۱۶۹)

قطعات کوتاه منسوب به یزید بن مُفَرَّغِ حَمِیرِی (نیمه دوم قرن اول هجری؛ ← صادقی ۱۳۵۷، ص ۶۸)، ابوالینبغی عباس بن طرخان (قرن دوم و اوایل قرن سوم هجری؛ ← همو ۱۳۵۷، ص ۹۲-۹۳) و ابوحفص حکیم بن احوص سغدی (← همو ۱۳۵۷، ص ۱۰۱-۱۰۲) نیز از نمونه‌های بسیار جالب شعر کهن فارسی به شمار می‌روند. (درباره کهن‌ترین نمونه‌های شعر فارسی، ← لازار ۱۳۴۱)

اما، جدا از این شواهد غیرمستقیم و سال‌ها پیش از آنکه کاربرد خط عربی برای نگارش زبان فارسی گسترش یابد، اقلیت‌های دینی ایرانی (یهودیان، مسیحیان و مانویان) بدین منظور از خط دینی خویش استفاده می‌کردند. برخی از متون فارسی که به دست آنان به خطوط غیر از عربی به نگارش درآمده به فاصله میان قرن‌های دوم و چهارم هجری تعلق دارد که در مطالعات تاریخی زبان فارسی غالباً آن را دوران تاریک تاریخ زبان فارسی می‌خوانند. به عبارت دیگر، این متون را باید کهن‌ترین متون مکتوب فارسی دری به شمار آورد.

۲) درباره معنی این بیت اختلاف نظر وجود دارد. صادقی (۱۳۵۷، ص ۶۶) آن را چنین خوانده و ترجمه کرده است: «گو و خمیر آمد، خاتون دروغ گنده»: بگو خمیر و آمد، خاتون دروغ بد است. به نظر او، «ور آمدن خمیر» کنایه از میل به همخوابگی زن است. اخیراً محقق تاجیک، دادخدا سیم‌الدین‌اف، در یادداشتی شخصی، آن را چنین خوانده و ترجمه کرده است: «کور خمیر آمد، خاتون دروغ گنده»: (وقتی) امیر کور آمد، خاتون در معبد خرابه (شد).

۳) مصحّف تر، مجازاً به معنی «شرمنده» (۴) آواره

هدف از نگارش این مقاله معرفی و بررسی ویژگی‌های آوایی، صرفی، نحوی و واژگانی این کهن‌ترین متون مکتوب فارسی است. این بررسی زوایای تاریکی را از تاریخ زبان فارسی روشن خواهد کرد.

معرفی متون

کهن‌ترین متون مکتوب فارسی که تاریخ نگارششان پیش از تاریخ کتابت کهن‌ترین نسخه کتاب الأبنیه عن حقائق الأدویه است به خطوط عبری، سُریانی و مائوی به نگارش درآمده و به شرح زیرند:

الف) به خطّ عبری- متون فارسی نوشته شده به خطّ عبری را متون فارسی-یهودی^۵ می‌نامند. شایان ذکر است که اصطلاح فارسی-یهودی بر گونه‌ای خاص از زبان فارسی که تفاوت‌های قانونمندی با فارسی دری داشته باشد دلالت نمی‌کند. در واقع، بیشتر ویژگی‌های زبانی متون فارسی-یهودی ویژگی‌های گویشی است، یعنی این آثار به گویش‌های محلی فارسی نوشته شده‌اند. به عبارت دیگر، فارسی-یهودی گونه‌ای خاص از فارسی نیست بلکه بر چند گونه فارسی دلالت می‌کند که جوامع یهودی ایران به آنها تکلم می‌کرده‌اند و متون آن به خطّ عبری به نگارش درآمده‌اند. متون فارسی-یهودی که تاریخ نگارششان پیش از سال ۴۴۷ است به شرح زیرند:

۱. بخشی از نامه خصوصی یک تاجر یهودی متعلق به نیمه دوم قرن دوم هجری. این قطعه را، که ۳۸ سطر است، سر اورل اشتاین^۶ در ویرانه‌های دندان اوئیلیق^۷، شهری در آسیای مرکزی در شمال شرق واحه خُتن در ترکستان شرقی، یافت. این نامه اکنون در موزه بریتانیا^۸ نگهداری می‌شود. گویش به کاررفته در این نامه گونه شمال شرقی زبان فارسی است (Lazard 1968, p. 86). موضوع اصلی نامه تجارت گوسفند و احتمالاً پارچه و برده است. (نیز ← کاشغری ۱۳۴۲؛ Lazard 1988؛ Margoliouth 1903؛ Salemann 1904-1905؛ Utas 1968-1969)

(تصویر ۲)

۲. کتبیبه‌ای کوتاه که چهار بار بر وقفنامه‌ای از جنس ورق مس نوشته شده است. این وقفنامه به قرن سوم هجری تعلق دارد و در کویلون^۹ در جنوب هند پیدا شده است.

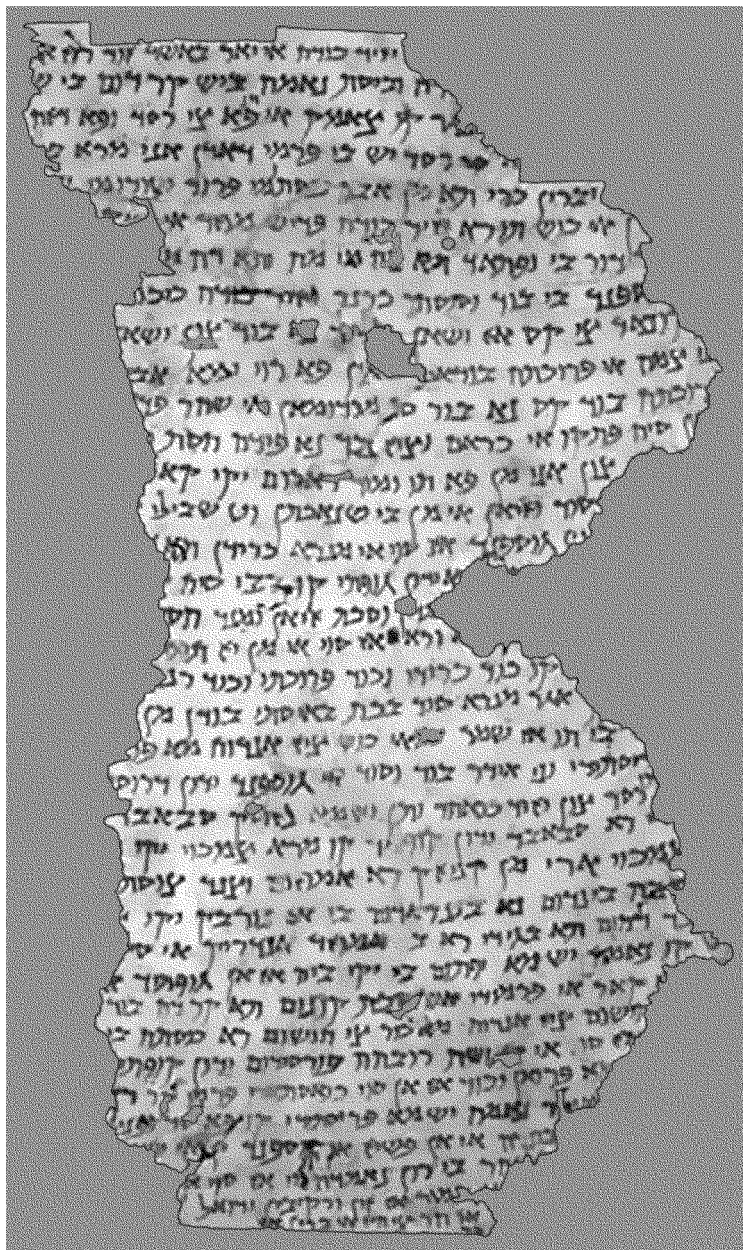
5) Jewish Persian/Judeo-Persian

6) Sir Aurel Stein

7) Dandān Ōiliq

8) British Museum

9) Quilon



تصویر ۲. نامه خصوصی یک تاجر یهودی به خط عبری^{۱۰}

نوشته‌های روی وقفنامه در واقع امضای شاهدان به سه زبان و خط فارسی - یهودی، فارسی میانه (= پهلوی) و عربی است. تحریر فارسی - یهودی بر روی ورق پنجم نوشته شده و تکرار این عبارت است: همگون من... پدیش گوهم «همچنین من... بدان گواهم». متن اصلی وقفنامه به زبان تامیلی^{۱۱} است و موضوع آن قطعه زمین اهدائی شخصی مسیحی به نام سَبر - ایشوع^{۱۲} است به کلیسای ایرانی در مالابار^{۱۳}.

(→ Minorsky 1942, p. 183; LAZARD 1963, p. 31; ASMUSSEN 1965, p. 50)

۳. سندی حقوقی در یک صفحه به تاریخ ۳۴۰/م ۹۵۱ هـ (→ Shaked 1972; Paul 2003, p. 178)

۴. مناظره‌ای در ۱۰ برگ (رو و پشت) که با شماره 8659 Or. در موزه بریتانیا نگهداری می‌شود. این مناظره را تنها به دلیل آنکه بر رو و پشت برگ نخست آن جملاتی از کتاب یوشع نبی نقل شده است، به اشتباه، «شرحی بر یوشع^{۱۴}» نامیده‌اند. این مناظره باید در خوزستان نوشته شده باشد (Lazard 1968, p. 93) و تاریخ نگارش آن باید قرن چهارم هجری یا شاید اندکی پیش‌تر از آن باشد. (→ ASMUSSEN 1965, pp. 59-60; MacKenzie 1968, p. 253)

۵. چند نامه منتشر نشده یک یا دو صفحه‌ای از قرن‌های چهارم یا پنجم هجری.

(Paul 2003, p. 178)

۶. سندی محضری به لهجه فارسی خوزستان (Lazard 1968, p. 86) که در سال ۱۰۲۰/م ۴۱۱ هـ در اهواز نوشته شده است و در کتابخانه بادلیان^{۱۵} نگهداری می‌شود.

(→ Shaked 1971; Margoliouth 1899; MacKenzie 1966; ASMUSSEN 1965)

۷. ترجمه‌ها و شروح بخش‌هایی از عهد عتیق^{۱۶} که، در واقع، ابزارهایی کمکی برای فهمیدن و به حافظه سپردن متن عبری بودند. متون شناخته شده از این دست که تاریخ نگارششان به سال ۴۴۷ هـ نزدیک است به شرح زیرند:

- دو شرح بر کتاب دانیال نبی در ۲ و ۴ صفحه متعلق به قرن پنجم هجری (SHAKED 1982)؛
- شرحی بر کتاب حزقیال نبی که در کتابخانه سلطنتی سنت پترزبورگ نگهداری می‌شود. این شرح احتمالاً در فارس یا خوزستان نوشته شده و تاریخ کتابت آن قرن پنجم هجری است (→ LAZARD 1968, pp. 89, 93; SALEMANN 1900; ASMUSSEN 1965, p. 50). این تفسیر بسیار مفصل است و دو بخش دارد به دو دستخط: بخش اول به گویش شمال شرقی و بخش دوم

11) Tamil

12) Sabr-Iḥ^{۱۶}

13) Malabar

14) a commentary on Joshua

15) Bodleian Library

16) Old Testament

به گویش جنوب غربی. مثلاً واژه یا و ماده ماضی فعل کردن در بخش‌های اول و دوم، به ترتیب، به صورت‌های یا و یو، و کرد و کیرد آمده است. به علاوه، حرف اضافه او به معنی «به» فقط در بخش دوم به کار رفته است. (Gindin 2003, pp. 16-17, 20-21)^{۱۷}

ب) به خط سُرِیانی- متون فارسی نوشته شده به خط سُرِیانی متعلق به پیش از سال ۴۴۷ هـ به شرح زیرند:

۱. قطعه‌ای دو صفحه‌ای بازمانده از ترجمه دو زیانه سُرِیانی- فارسی زبور داود به خط سُرِیانی که احتمالاً به قرن چهارم هجری تعلق دارد. این دست‌نوشته در ویرانه صومعه‌ای نستوری در بولایق^{۱۸} در نزدیکی تُرفان در ترکستان چین پیدا شده است. خط این دست‌نوشته گونه سُغدی خط سُرِیانی سِطَرِنجیلی (استرانجِلو^{۱۹}) است. (→ Miller 1915; SUNDERMANN 1974; BENVENISTE 1938)

۲. قطعه‌ای سُرِیانی- فارسی و بدون تاریخ مربوط به داروشناسی که در تویوق^{۲۰} پیدا شده است. (HENNING 1958, p. 79; SUNDERMANN 1974, pp. 450-451)

(۱۷) پیش از این، سه کتیبه کوتاه فارسی- یهودی را که در کنار یکدیگر بر صخره‌ای در تنگ ازائو (Tang-i Aza)، در کوه‌های مغرب افغانستان، کنده شده قدیم‌ترین متون فارسی- یهودی و متعلق به سال ۱۳۵ هـ می‌دانستند (HENNING 1957, p. 338; Gnoli 1964, pp. 3-4). هنینگ (1957, p. 342) یکی از این کتیبه‌ها به صورت زیر

זכרא בר סמעל אזנק
קובן אין نیوی קנד פא דאלם
פא מוד יי (יאר)
אש או באר אמן

را چنین خوانده و معنا کرده است:

«زکریا پسر اسماعیل از کوبان این کتیبه را در (سال) ۱۰۶۴ نوشت، به امید خدا.

باشد که یورش باد. آمین».

اما رپ (1967, p. 52) نشان داد که آنها به سال ۱۳۰۰ م تعلق دارند. نسخه بسیار ارزشمندی نیز از اسفار خمسة نورات از قرن پنجم یا ششم هجری موجود است که در کتابخانه واتیکان نگهداری می‌شود (→ Paper 1965a, 1965b, 1966, 1968; ASMUSSEN 1969). قطعات بسیاری نیز از متون فارسی- یهودی در قاهره پیدا شده که هنوز منتشر نشده است. مجموعه قاهره شامل متون متنوعی چون دستور زبان و واژه‌نامه، متون فقهی، نامه‌ها و اسناد حقوقی، طب و جادو، اشعار، ترجمه‌ها و تفاسیر کتاب مقدس می‌شود (SHAKED 2003, p. 199). یکی از این متون تفسیر سیفریدایش است. (Ibid, pp. 202-217) (برای اطلاعات بیشتر درباره ادبیات فارسی- یهودی در دوره‌های بعد ← ASMUSSEN 1973)

۳. در سه تفسیر سُریانی از کتاب مقدس متعلق به قرن‌های دوم تا چهارم هجری، در حواشی بخش‌های مربوط به سفر پیدایش تا آغاز سفر خروج، ۲۵ واژه فارسی به خط سُریانی وجود دارد که همگی ویژگی‌های گونه جنوب غربی را می‌نمایانند، مثلاً بردیون، فارسی میانه wardyūn «گردونه»؛ سارار، فارسی میانه مانوی sārār، اما فارسی میانه زردشتی sālār «سالار». (Maqāfi 2003, pp. 112, 126, 136-137)

۴. چند سطر شعر فارسی به خط سُریانی در دست‌نوشته‌ای سُریانی و بدون تاریخ که در رُم نگهداری می‌شود (Orsatti 2003, pp. 152-153). زبان این اشعار نیز احتمالاً گونه جنوب غربی است. (Ibid, pp. 147, 155)

ج) به خط مانوی - همه متون فارسی نوشته شده به خط مانوی به نیمه نخست قرن چهارم هجری تعلق دارند و در تُرفان پیدا شده‌اند. این آثار به شرح زیرند:

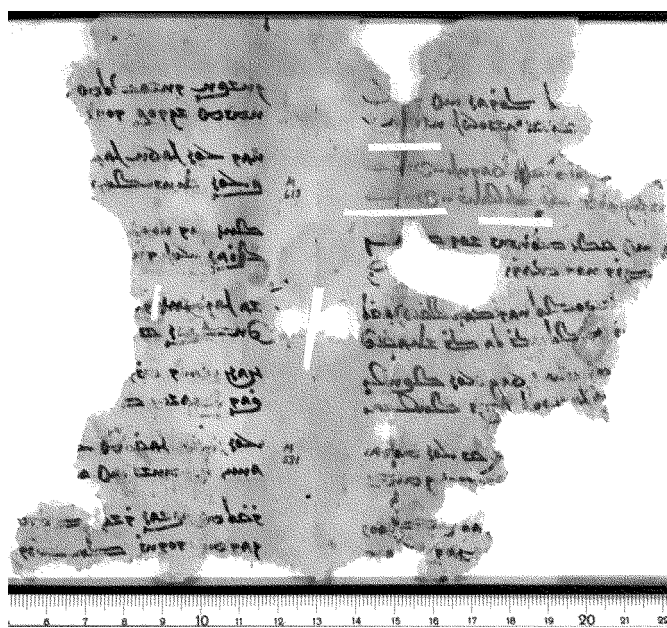
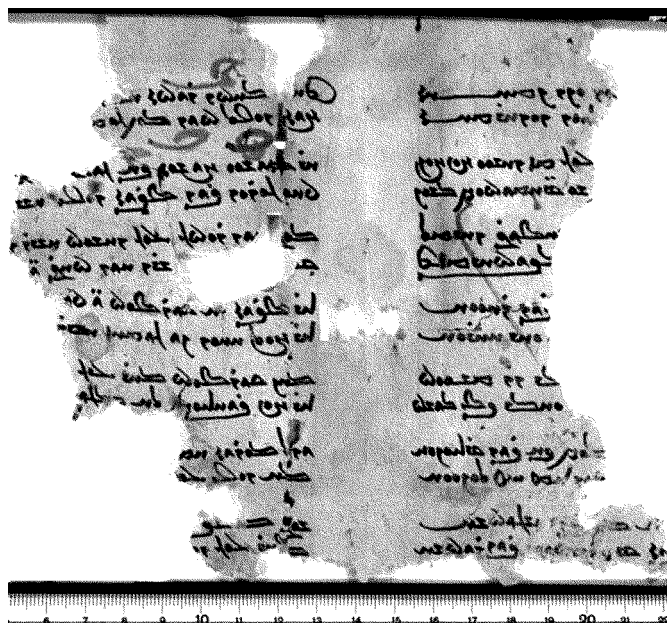
۱. دو قطعه منظوم از یک دست‌نوشته که در مجموعه بزرگ دست‌نوشته‌های مانوی فرهنگستان علوم برلین - براندنبورگ نگهداری می‌شود. این دو قطعه شامل ۲۷ بیت ناقص در بحر رَمَل مُسَدَّس از تحریر فارسی منظومه معروف بلوهر و بوداسف^{۲۱} است. احتمالاً این منظومه را نخستین بار شاعری مسلمان در سمرقند یا بخارا سروده و به خط عربی به نگارش در آورده است (هنینگ ۱۳۳۷، ص ۸-۹). شاید شاعر این منظومه رودکی بوده باشد، زیرا دو منظومه دیگر او (کلیله و دمنه و سندبادنامه) نیز در همین بحر سروده شده است. (HENNING 1962, pp. 91-98) (تصاویر ۳ و ۴)

۲. بخش‌هایی از یک قصیده فارسی با چند افزودگی که در مجموعه بزرگ دست‌نوشته‌های مانوی فرهنگستان علوم برلین - براندنبورگ نگهداری می‌شود. (Ibid, pp. 98-104) (تصویر ۵)

۳. متنی آموزشی - اندرزی. (SUNDERMANN 2003)

۴. اعتراف‌نامه‌ای مانوی. (Idem 1989)

۵. چند قطعه منتشر نشده (به شماره‌های M 106، M 105b، M 150، M 595a, b, c، M 901، M 9009 و M 9130). قطعه M 106 بخشی از کتابی درباره عقاید دینی است و چند واژه عربی نیز دارد. قطعه M 150 نیز درباره گاه‌شماری است و نام چند صورت فلکی را



تصویر ۳. پشت و روی قطعات بازمانده منظومه بلوهر و بوداسف به خط مانوی

تا [نی] باشد روشن ا [ند] (ر) []
چون دیلت شود بی - ی - گوم [ان]
ار قونیی چونی (ن) کا گو (ف) [تیی] م [ر مرا؟]
جای گیرید خود سخون دیل (ت) اند [را؟]
بی (خ) [ا] ود ریشگ عیگ دانش اندر د [یل بکار]
پ [س؟ بروید] نرد اود شاخ و [برگ و بار]
هر سخون [ی] ا [پورسیش و جو] []
هر چیت اید زو گومان اندر []
باز پورسیش بار عیگ []
هر چی خواهی (ه) تا بگو [یی] []
ورت بیرون ام [د] []
با دیل عی [گ] []
نیک ب (ل) ک [ا؟] []
بار عیگ د []

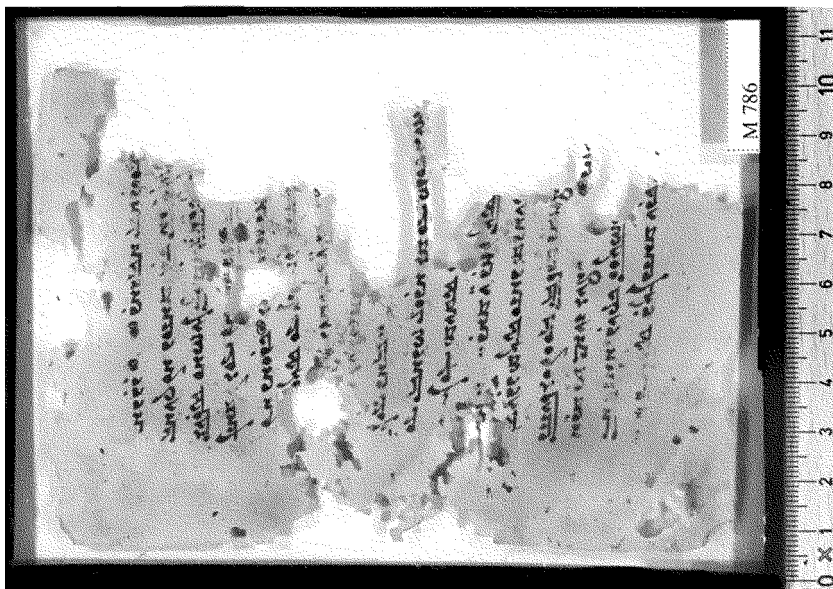
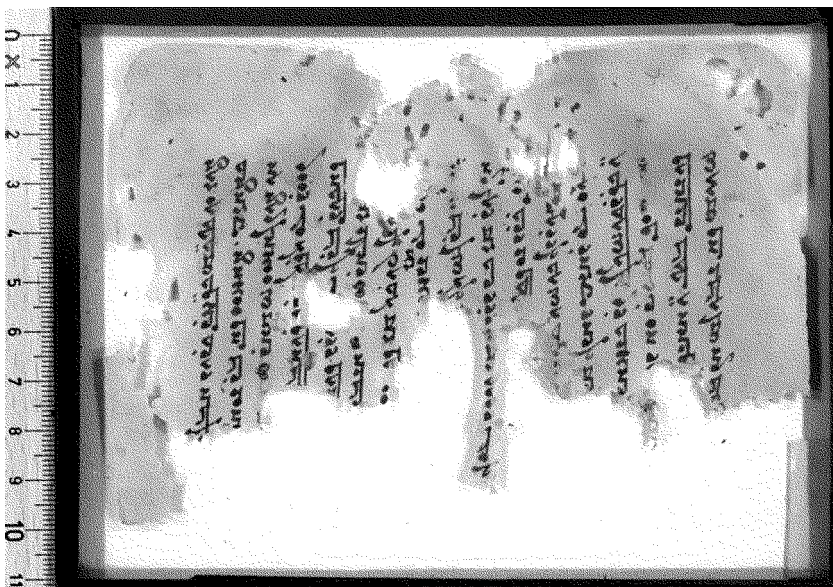
تصویر ۴. برگردان بخشی از منظومه بلوهر و بوداسف از خط مانوی به خط فارسی

به دست می دهد. (هنینگ ۱۳۳۷، ص ۳؛ نیز ← Miller 1904, pp. 95, 106؛ Minorsky 1942, p. 182) ۲۲
(تصویر ۶)

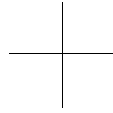
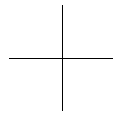
ویژگی‌های زبانی این متون

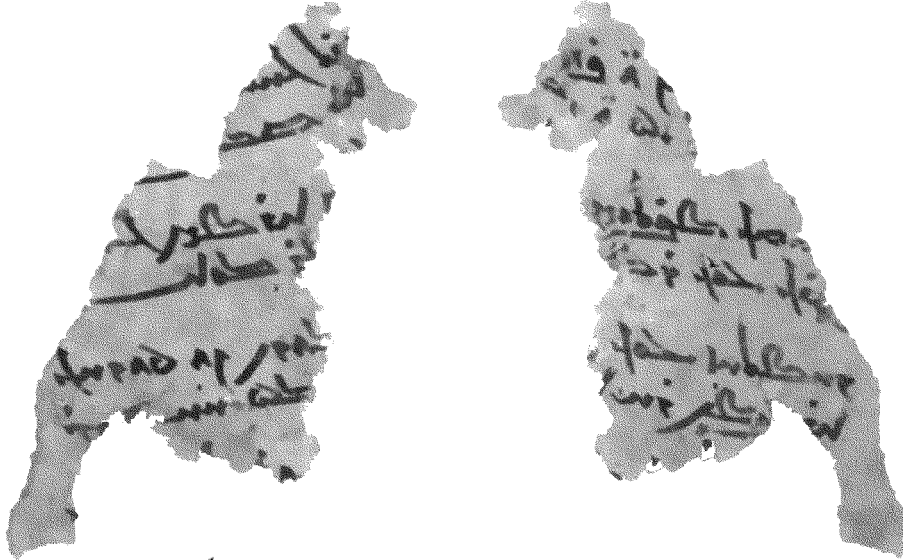
پیش از پرداختن به ویژگی‌های زبانی این متون، باید یادآوری کرد که رسم الخط این متون نیز از اهمیت بسیار برخوردار است. کاربرد حروف عبری برای نمایاندن آواهای فارسی در متون فارسی - یهودی تابع قوانین خاصی است (Lazard 1968, pp. 81-83). رسم الخط متون فارسی نوشته شده به خط مانوی نیز شدیداً تحت تأثیر رسم الخط متون فارسی میانه مانوی و انباشته از املاهای تاریخی است. حتی برخی از واژه‌های دخیل عربی

۲۲ ذکر این نکته لازم است که در برخی از متون متأخر مانوی به زبان فارسی میانه گاه آمیختگی‌هایی با فارسی دری دیده می‌شود، مثلاً کاربرد جای به جای gyāg و کاربرد ساخت معلوم به جای ساخت یرگتیو (ergative) در برخی از جملات ماضی متعدی. (Durkin-Meisterernst 2003, pp. 3-4)



تصویر ۵. پشت و روی بخش‌هایی از یک قصیده فارسی به خط مانوی





تصویر ۶. پشت و روی قطعه‌ای از دست‌نوشته‌ای فارسی به خط مانوی

ظاهری شبیه واژه‌های فارسی میانه یافته‌اند. در مواردی، تأثیر رسم‌الخط سغدی مانوی را نیز می‌توان در این متون یافت. (HENNING 1962, pp. 89-91) →
مهم‌ترین ویژگی‌های دستوری و واژگانی این متون از سویی کهنه‌گرائی آنها و، از سوی دیگر، شواهدی است که از لهجه‌های کهن فارسی دری به دست می‌دهند. آنچه در زیر خواهد آمد توصیفی کوتاه از مهم‌ترین ویژگی‌های آوایی، صرفی، نحوی و واژگانی این کهن‌ترین آثار مکتوب فارسی دری است.

ویژگی‌های آوایی

۱. حفظ آ- آغازی پیش از صامت‌ها، مانند

ابا (مناظره فارسی - یهودی)، اما با (بلوهر و بوداسف): «با»؛

اباری (مناظره فارسی - یهودی): «دیگر»؛

اباز (شرح کتاب حزقیال نبی، مناظره فارسی - یهودی)، اما باز (بلوهر و بوداسف، ترجمه زبور

داود): «باز»؛

ابایست؛ (ا) بایید (مناظره فارسی - یهودی): «بایست؛ باید»؛

ابر (مناظره فارسی - یهودی)، اما بر (بلوهر و بوداسف): «بر»؛

ابی (شرح کتاب حزقیال نبی، مناظره فارسی - یهودی، سند محضری اهواز)، امّابی (بلوهر و بوداسف)، بیی (قصیده فارسی): «بی»؛
ازیر (شرح کتاب حزقیال نبی، مناظره فارسی - یهودی، سند محضری اهواز)، امّا زییر (قصیده فارسی): «زیر»؛
انی (نامه دندان اولیق): «دیگر»؛
انیز (شرح کتاب حزقیال نبی، مناظره فارسی - یهودی)، امّا نیز (بلوهر و بوداسف): «نیز».

۲. حفظ - ه پایانی در اسم‌های معنی، مانند

ابی دادیه (مناظره فارسی - یهودی): «بیدادی، بیداد»؛
اشوفتگاریه (مناظره فارسی - یهودی): «آشفتگی»؛
انومیدییه (مناظره فارسی - یهودی): «نامیدی»؛
پیشوینییه (مناظره فارسی - یهودی): «پیش‌بینی»؛
تاریکیه (مناظره فارسی - یهودی): «تاریکی»؛
حرامیه (مناظره فارسی - یهودی): «حرمت»؛
دروستییه (مناظره فارسی - یهودی): «درستی»؛
زیندگانییه (مناظره فارسی - یهودی): «زندگانی، زندگی»؛
شنختگاریه (مناظره فارسی - یهودی): «شناخت»؛
گوایه (مناظره فارسی - یهودی): «گواهی»؛
موخالفیه (مناظره فارسی - یهودی): «مخالفت».

۳. حفظ - ن پایانی (و به ندرت - ت پایانی) در اسم مصدرهای مختوم به -شن

(و به ندرت - شت)، مانند

اموزیشن، اموزیشت (مناظره فارسی - یهودی): «آموزش»؛
جویشن (مناظره فارسی - یهودی): «جویش، جست‌وجو»؛
مانشن (ترجمه زبور داود): «مانش»؛
امّا ستایش؛ اسایش (ترجمه زبور داود).

ویژگی‌های صرفی

۱. کاربرد نشانه جمع - بها، از فارسی میانه *-ihā*، که در اصل پسوندی قیدساز بوده

است، مانند

مناظره فارسی - یهودی: درختیها «درخت‌ها»، سالیها (نیز: سالیان) «سال‌ها»، عورلایها (نیز: عورلاها)؛ «پوست‌های سر آلت»، فرمنی‌ها (نیز: فرمانها) «فرمان‌ها».

۲. کاربرد حرف اضافه پیشایند او (یا فقط: ا-) «به» که، مانند معادل فارسی میانه‌اش (ō)، گاه مفعول مستقیم را می‌نمایاند، مانند
اینان را (مناظره فارسی - یهودی): «به اینان، بدینها»؛
اپیش (سند محضری اهواز): «به پیش»؛
ادست یشما داد (مناظره فارسی - یهودی): «به دست شما داد»؛
او ایشان را (مناظره فارسی - یهودی): «برای ایشان»؛
و احصرا کیرد ادنیال (سند محضری اهواز): «و احضار کرد دانیال را».

۳. کاربرد اسم معنی مختوم به -یه (فارسی میانه: -īh) به عنوان اسم جمع، مانند
ددیه (مناظره فارسی - یهودی): «ددان، جانوران وحشی».

۴. ساخت اسم معنی با افزودن پسوند -یه (فارسی میانه: -īh) به مصدر یا بُن ماضی،

مانند

امدنیه (مناظره فارسی - یهودی): «آمدن، آیش»؛

هم خواندیه (مناظره فارسی - یهودی): «همخوانی، توافق».

۵. کاربرد «مر... را» برای نمایاندن مفعول مستقیم یا مقصد عمل^{۲۳}، مانند

اموزد مر رم را (ترجمه زبور داود): «آموزد رمه (= مردم) را»؛

مر شناساایش را (ترجمه زبور داود): «برای شناسایی اش»؛

مر مرا (بلوهر و بوداسف، قصیده فارسی): «مر مرا، مرا».

۶. کاربرد برخی صیغه‌های فعلی جالب توجه، مانند

الف) برخی از صیغه‌های مضارع اخباری فعل بودن، مانند مفرد: هوم (مناظره فارسی - یهودی، سند محضری اهواز) «هستم»، هی (نامه دندان اویلیق، مناظره فارسی - یهودی) «هستی»، هیست (مناظره فارسی - یهودی [نیز: هست]، سند محضری اهواز) «هست»؛ دوم شخص جمع: هید (مناظره فارسی - یهودی) «هستید»؛ سوم شخص جمع: هیند (مناظره فارسی - یهودی، سند محضری اهواز) «هستند»؛

ب) کاربرد صیغه‌های دوم شخص جمع مختوم به -ی مانند شما پرستیدی (نامه دندان اویلیق) «شما فرستادید»؛

ج) کاربرد ادات تمنائی ای- (هی- در شرح کتاب حزقیال نبی)، مانند ای کرام (نامه دندان اویلیق) «(باشد که) بخیریم»، ای یارب‌باشد (نامه دندان اویلیق) «(باشد که) یارب باشد»

(Lazard 1988, pp. 208-209)؛

۲۳ ذکر این نکته لازم است که کاربرد «مر... را» از ویژگی‌های متونی است که در ماوراءالنهر و بخش‌های شرقی افغانستان به نگارش درآمده‌اند. (Lazard 1995, p. 24)

د) کاربرد جزء -یست- در صیغه‌های ماضی نقلی، مانند (نه‌ه‌اد (ب)سه (ند) (بلوهر و بوداسف) «نهادستند^{۲۴}، نهاده‌اند»؛

ه) کاربرد صیغه‌هایی خاص از وجه التزامی (وجه دعایی)، مانند بوراد (مناظره فارسی - یهودی) «بُراد، بَبُرد»، قوناد (نامه دندان او یلیق) «کُنَاد، بَکُنَد»؛

و) کاربرد مصدر پس از افعال وجهی، مانند اباید کردن (مناظره فارسی - یهودی) «باید کردن، باید کرد»، ابایست ... دانیستن (مناظره فارسی - یهودی) «بایست ... دانستن، بایست ... دانست»، اباید بریدن (مناظره فارسی - یهودی) «باید بریدن، باید برید»، اباید شُودن (مناظره فارسی - یهودی) «باید شدن، باید شد، باید رفت»، سزْدگوفتن (مناظره فارسی - یهودی) «سزْدگفتن، سزاوار گفتن است»، شاهد شِختن (مناظره فارسی - یهودی) «شاید شناختن، می‌توان شناخت»، شاید خوردن (مناظره فارسی - یهودی) «شاید خوردن، می‌توان خورد»، بایستی بودن (نامه دندان او یلیق) «بایستی بودن، می‌بایست بود»^{۲۵}؛

ز) مهم‌ترین ویژگی صرفی در این متون کاربرد صیغه‌های مجهول با-یه- (از فارسی میانه -īh-) است، مانند خوانیهد (شرح کتاب حزقیال نبی) «خوانده می‌شود»، تبههست یا تبههستی (مناظره فارسی - یهودی) «تباه کرده شد» یا «تباه کرده می‌شد» (فعل جعلی).

ویژگی‌های نحوی

۱. کاربرد نشانه اضافه به عنوان حرف ربط (موصول)، مانند قار ای پرمودیش (نامه دندان او یلیق) «کاری که فرمودی‌اش»، صمه ای پروکته بوداست (نامه دندان او یلیق) «جامه‌ای که فروخته شده است»، نامه یشما پرستییدی (نامه دندان او یلیق) «نامه‌ای که شما فرستادید»، اگر مردومی را یبورنا و بزورگ بی اری واندر بوستانیش کونی کو پان بوستان دار ودرخت یگوهر گوهر هیست یازیش بی شاید خوردن مردوم را... (مناظره فارسی - یهودی) «اگر مردومی را که برنا و بزورگ باشد آوری و او را در بوستانی کنی که در آن بوستان دار ودرخت گوناگون هست که از آن خوردن ممکن است مردم را...»، سهدان یکطمان ازیر ا این محصر نبیشتا هیست (سند محضری اهواز) «شاهدانی که خطمان زیر این سند نوشته شده است».
۲. در ترجمه زبور داود، تحت تأثیر سریانی، گاه k به عنوان ادات اضافه به کار می‌رود،

۲۴) این زمان را ماضی نقلی نیشابوری نامیده‌اند.

۲۵) این ویژگی به خصوص در لهجه‌های شرقی فارسی دری وجود داشته است. بسنجید با بایدگفتن و توان کردن در هدایة المتعلمین فی الطب که در بخارا تألیف شده است.

مانند رم کاز بابیل «رمه (= مردم) از بابل» (بسنجید با سُریانی: *m' d-b-bbl*)، به علاوه، ادات اضافه پس از مصدر نمی‌آید، مانند بازگشتن رم «بازگشتنِ رمه (= مردم)»، بازگشتنشان «بازگشتنشان».

۳. حفظ تمایز میان کا «هنگامی که، وقتی؛ اگر؛ از آنجا که»، کو (در نامه دندان اولیق: قو) «که؛ جایی که» و کمی «(کسی یا چیزی) که» (بسنجید با فارسی میانه: *ka, k̄u, k̄ē*)، مانند از ان جا یکا پا چگاد ماند (مناظره فارسی - یهودی) «از آنجا، هنگامی که بر چگاد (= قلّه) ماند» (MACKENZIE 1968, p. 267)^{۲۶}، تیسها یکا پورسیدم (مناظره فارسی - یهودی) «چیزهایی که وقتی پرسیدم»، وگوپتیندش پیران کو بد کیردی (سند محضری اهواز) «وگفتندش پیران که بد کردی» (اما در بلوهر و بوداسف: کا «که»، در قصیده فارسی: کا «کسی یا چیزی) که»).

۴. کاربرد شمار جمع پس از اعداد بزرگ‌تر از یک، مانند سد مردومان (نامه دندان اولیق) «صد نفر».

۵. کاربرد حرف اضافه پیراوند از...را، مانند از سوی ای منرا (نامه دندان اولیق) «از سوی من»، از چی جا را (مناظره فارسی - یهودی) «از چه جا»، از پوست را (مناظره فارسی - یهودی) «از پوست (= درباره پوست)»، از مرا (سند محضری اهواز) «از من».

ویژگی‌های واژگانی

۱. وجود شماری واژه نادر و جالب که پیشینه‌شان به فارسی میانه می‌رسد، اما بسیاری از آنها در متون فارسی دری شاهد ندارد، مانند
ابدم (سند محضری اهواز): «افدم، آخرین»؛
ابدیه (مناظره فارسی - یهودی): «شگفتی، معجزه»؛
ابزون (مناظره فارسی - یهودی): «افزون»؛
از سوی ای (نامه دندان اولیق): «درباره»؛
ازمرش (مناظره فارسی - یهودی، سند محضری اهواز): «برایش؛ او را، آن را»؛
اشگهان (مناظره فارسی - یهودی): «بیهوده، تهی»؛
اندریق (نامه دندان اولیق): «خواجه اندرونی»؛
ایچ (مناظره فارسی - یهودی): «هیچ»؛

۲۶ می‌توان این جمله را چنین نیز ترجمه کرد: «از آنجا که به چگاد (= قلّه) می‌ماند». در این صورت، در مناظره فارسی - یهودی کا می‌تواند معنای کمی را نیز داشته باشد.

ایدر (نامه دندان اویلیق، شرح کتاب حزقیال نبی): «ایدر، اینجا»؛
ایدون (نامه دندان اویلیق، شرح کتاب حزقیال نبی، سند محضری اهواز): «چنین»؛
اییب (مناظره فارسی - یهودی): «یا» (بسنجید با قصیده فارسی: یا)؛
بی (نامه دندان اویلیق، مناظره فارسی - یهودی): «اما»؛
پا جود از (مناظره فارسی - یهودی): «به جز، جز» (بسنجید با بلوهر و بوداسف: جوز)؛
پادیوند (مناظره فارسی - یهودی): «نیرومند»؛
پدیش (شرح کتاب حزقیال نبی، نامه دندان اویلیق، مناظره فارسی - یهودی، قصیده فارسی):
«بدان (وسیله)، برای آن، بر آن»؛
پشت (مناظره فارسی - یهودی): «عهد، پیمان»؛
چیم (مناظره فارسی - یهودی): «دلیل»؛
خو (استو (مناظره فارسی - یهودی): «معترف»؛
دروژن (مناظره فارسی - یهودی): «دروغ گو»؛
سپسی (ترجمه زبور داود): «دیر»؛
نیش - (شرح کتاب حزقیال نبی): «نگاه کردن» (بسنجید با نیشیدن در ترجمه فارسی کتاب
المدخل الی علم احکام النجوم ابونصر قمی)؛
همیمال (مناظره فارسی - یهودی): «رقیب، مخالف»؛
هنج - (شرح کتاب حزقیال نبی): «نوشیدن»؛
۲. وجود واژه‌های کهن گویشی، مانند
ابدیشتن (شرح کتاب حزقیال نبی): «گذشتن»؛
(ا)نون (مناظره فارسی - یهودی): «اکنون»؛
اور (سند محضری اهواز): «بر» (بسنجید با مناظره فارسی - یهودی: ابر)؛
اورینشت (مناظره فارسی - یهودی): «آفرینش»؛
اوفتید (مناظره فارسی - یهودی): «افتاد» (بسنجید با نامه دندان اویلیق: ویتاد)؛
ایستید، ایستاد (مناظره فارسی - یهودی): «ایستاد» (بسنجید با سند محضری اهواز: ایستاد)؛
ایمان (سند محضری اهواز): «ما» (بسنجید با نامه دندان اویلیق: ما، مناظره فارسی - یهودی:
ایما)؛
بروی (مناظره فارسی - یهودی): «گرو - (ماده مضارع گرویدن)»؛
بزارشت (مناظره فارسی - یهودی): «گزارش (= شرح)»؛
بزوبشت (مناظره فارسی - یهودی): «پژوهش»؛
بوزیشت (مناظره فارسی - یهودی، سند محضری اهواز): «بوزش» (در مناظره فارسی - یهودی
نیز: بوزیشن)؛

بیند-؛ بینداد (نامه دندان او یلیق): «یاب-؛ یافت»؛
پدریبت (شرح کتاب حزقیال نبی): «پذیرفت» (بسنجید با مناظره فارسی - یهودی: پذیرفت)؛
پورسیشت (مناظره فارسی - یهودی): «پرسش»؛
پیده (نامه دندان او یلیق): «پیدا»؛
پیشوینیه (مناظره فارسی - یهودی): «پیش بینی»؛
تیس (مناظره فارسی - یهودی، سند محضری اهواز): «چیز» (بسنجید با بلوهر و بوداسف: چیز؛
نامه دندان او یلیق: صیز؛ در مناظره فارسی - یهودی نیز: چیز)؛
جوه (شرح کتاب حزقیال نبی): «جو»؛
دان (پ)شت (مناظره فارسی - یهودی): «دانش»؛
دریست (سند محضری اهواز): «درست» (بسنجید با نامه دندان او یلیق و مناظره فارسی -
یهودی: دروست)؛
دوشمنادی (شرح کتاب حزقیال نبی): «دشمنی»؛
زمی (ترجمه زبور داود): «زمین» (بسنجید با مناظره فارسی - یهودی: زمین)؛
ستسن (سند محضری اهواز): «ستدن، ستاندن»؛
سیه (نامه دندان او یلیق): «سی»؛
شاه- (شرح کتاب حزقیال نبی، مناظره فارسی - یهودی): «شای- (ماده مضارع شایستن: شایسته
بودن؛ ممکن بودن)» (در مناظره فارسی - یهودی نیز: شای-)
فرستید (مناظره فارسی - یهودی)، پرستید (نامه دندان او یلیق): «فرستاد»؛
کیرد (مناظره فارسی - یهودی، سند محضری اهواز): «کرد» (بسنجید با نامه دندان او یلیق: کرد؛
در مناظره فارسی - یهودی نیز: کرد)؛
نییس-؛ نبیشت (سند محضری اهواز): «نویس-؛ نوشت»؛
نگریشت (مناظره فارسی - یهودی): «نگرش»؛
نیس- (شرح کتاب حزقیال نبی): «نه- (ماده مضارع نهادن)» (بسنجید با مناظره فارسی - یهودی:
نس-؛ اما بلوهر و بوداسف: نه-)
نیماز (شرح کتاب حزقیال نبی): «نماز» (بسنجید با بلوهر و بوداسف: [نما]ز)؛
وایندا (مناظره فارسی - یهودی): «پرنده»؛
وهمان (مناظره فارسی - یهودی): «بهمان».

۳. فقدان واژه عربی در بلوهر و بوداسف بسیار قابل توجه است، اما در همه متون دیگر
کم و بیش چند واژه دخیل دیده می شود، مانند

- امری (سند محضری اهواز): «کلمات، جملات»؛
 بت (سند محضری اهواز): «بنت، دختر»؛
 بسرا (مناظره فارسی - یهودی): «گوشت»؛
 بن (سند محضری اهواز): «ابن، پسر»؛
 بنی یسرال (مناظره فارسی - یهودی): «بنی اسرائیل»؛
 بیت همقدش (مناظره فارسی - یهودی): «معبد، پرستشگاه»؛
 پرعه (مناظره فارسی - یهودی): «فرعون»؛
 تاوت (سند محضری اهواز): «آرزو، خواست»؛
 تورت (مناظره فارسی - یهودی): «تورات»؛
 حقی (سند محضری اهواز): «قوانین»؛
 رصون (سند محضری اهواز): «شادی؛ آرزو، خواست»؛
 زکر (مناظره فارسی - یهودی): «نر»؛
 زکروت (مناظره فارسی - یهودی): «نری»؛
 سهد (سند محضری اهواز): «شاهد»؛
 سوپ (سند محضری اهواز): «پایان»؛
 شطروت (سند محضری اهواز): «اسناد؛ فهرست‌ها»؛
 طماوت (مناظره فارسی - یهودی): «نپاکی»؛
 طهوروت (مناظره فارسی - یهودی): «طهارت، پاکی»؛
 عد (سند محضری اهواز): «تا»؛
 عدن (سند محضری اهواز): «باغ عدن»؛
 عرل، عورلا، عورله (مناظره فارسی - یهودی): «پوست سر آلت»؛
 علما (مناظره فارسی - یهودی): «عالم، جهان»؛
 قنین (سند محضری اهواز): «بخت؛ دارایی، مال»؛
 کل (سند محضری اهواز): «کل، همه»؛
 مشه (مناظره فارسی - یهودی): «موسی»؛
 مصریم (مناظره فارسی - یهودی): «مصر»؛
 منین (سند محضری اهواز): «شماره؛ شمارش»؛
 نیبا (مناظره فارسی - یهودی): «نبی»؛
 نوح (سند محضری اهواز): «استراحت»؛
 یهودیم (مناظره فارسی - یهودی): «یهود، یهودیان»؛
 یهوشع (مناظره فارسی - یهودی): «یوشع».

اقرار (مناظره فارسی - یهودی): «اقرار»؛
باطیل (مناظره فارسی - یهودی): «باطل»؛
جواب (قصیده فارسی): «جواب»؛
جور (قصیده فارسی): «جور، زور»؛
حق (مناظره فارسی - یهودی): «حق»؛
حوجت (مناظره فارسی - یهودی): «حجت»؛
خلیفت (مناظره فارسی - یهودی): «خلیفه»؛
خلیقت (مناظره فارسی - یهودی): «خلقت، ماهیت»؛
رکیبین (با امله) (نامه دندان او یلیق): «دو رکاب»؛
شراب (قصیده فارسی): «شراب، می»؛
شرط (مناظره فارسی - یهودی): «شرط»؛
شهوت (سند محضری اهواز): «شهوت»؛
صه (بفت) (مناظره فارسی - یهودی): «صفت»؛
صرورا (سند محضری اهواز): «ضرورت»؛
صواب (سند محضری اهواز): «جواب»؛
صور (سند محضری اهواز): «جور، بی عدالتی»؛
صوملا (سند محضری اهواز): «جمله، همه»؛
عبث (مناظره فارسی - یهودی): «عبث»؛
عصی (مناظره فارسی - یهودی): «عصیان‌گر، شورشی»؛
کط (سند محضری اهواز): «خط، امضا»؛
مثل (مناظره فارسی - یهودی): «مَثَل»؛
مرکب (قصیده فارسی): «مَرکَب؛ اسب»؛
معرفت (مناظره فارسی - یهودی): «معرفت»؛
ملا (د)ک (مناظره فارسی - یهودی): «مَلِک، پادشاه»؛
موخالیف (مناظره فارسی - یهودی): «مخالف»؛
موسلمان (مناظره فارسی - یهودی): «مسلمان»؛
موسلمین (مناظره فارسی - یهودی): «مسلمین»؛
نثار (قصیده فارسی): «نثار»؛
نوح (قصیده فارسی): «نوح»؛
واگیب (سند محضری اهواز): «واجب»؛
یوسپ (قصیده فارسی): «یوسف».

منابع

- اسماء المغتالین من الاشراف فی الجاهلیه و الاسلام، ابو جعفر محمد بن حبیب بغدادی، به کوشش عبدالسلام هارون، مکتبه الخانجی، قاهره ۱۹۵۴م / ۱۳۷۴هـ.
- پورجوادی، نصرالله (۱۳۸۰)، «فارسی‌گوئی عارفان نخستین: فصلی از تاریخ زبان فارسی (۱)»، نشر دانش، شماره ۹۹، ص ۴-۱۴.
- _____ (۱۳۸۲)، «فارسی‌گوئی عارفان نخستین: فصلی از تاریخ زبان فارسی (۲)»، نشر دانش، شماره ۱۰۴، ص ۸-۱۶.
- تاریخ الأمم و الملوک، ابو جعفر محمد بن جریر طبری، ۵ ج، دارالکتب العلمیه، بیروت ۱۴۰۷هـ.
- رواقی، علی (۱۳۷۴)، «دریاره وازه‌های فارسی طلبه الطلبة»، نامه فرهنگستان، س ۱، ش ۱، ص ۷۹-۹۴.
- صادقی، علی اشرف (۱۳۵۷)، نکوین زبان فارسی، دانشگاه آزاد ایران، تهران.
- _____ (۱۳۸۰)، مسائل تاریخی زبان فارسی، انتشارات سخن، تهران.
- کاشغری، م. ر. ا. (۱۳۴۲)، «صفحه‌ای از گوشه فراموش شده تاریخ: خدمات ترکستان به زبان فارسی و کشف قدیم‌ترین یادداشت فارسی از ختن»، هلال، ص ۴۴-۵۳.
- لازار، ژیلبر (۱۳۴۱)، اشعار پراکنده قدیم‌ترین شعرای فارسی زبان، انستیتو ایران و فرانسه، تهران.
- محقق، مهدی (۱۳۳۹)، «تأثیر زبان فارسی در زبان عربی»، مجله دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، س ۷، ش ۳، ص ۳۸-۵۶.
- _____ (۱۳۷۴)، «کلمات فارسی در یک متن فقهی عربی»، نامه فرهنگستان، س ۱، ش ۱، ص ۷۳-۷۸.
- ملیکیان، گورگین (۲۰۰۱)، نامه آفرینش، قدیمی‌ترین ترجمه فارسی به خط عبری، انتشارات مرکز ایران‌شناسی قفقاز، ایروان.
- هنینگ و. ب. (۱۳۳۷)، «قدیمی‌ترین نسخه شعر فارسی»، ترجمه احسان یارشاطر، مجله دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، س ۵، ش ۴، ص ۱-۹.
- ASMUSSEN, J. P. (1965), "Judaeo-Persica II: The Jewish-Persian Law Report from Ahwāz, A.D. 1020", *Acta Orientalia*, XXIX, pp. 49-60.
- _____ (1969), "A Select List of Words from the Vatican Judaeo-Persian Pentateuch (Genesis)", *K.R. Cama Oriental Institute Golden Jubilee Volume*, Bombay, pp. 93-102.
- _____ (1973), *Studies in Jewish-Persian Literature*, E.J. Brill, Leiden.
- BENVENISTE, E. (1938), "Sur un fragment d'un psautier syro-persan", *JA*, CCXXX, pp. 458-462.
- DURKIN-MEISTERERNST, D. (2003), "Late Features in Middle Persian Texts from Turfan", *Persian Origins: Early Judaeo-Persian and the Emergence of New Persian*, ed. L. PAUL, Harrassowitz Verlag, Wiesbaden, pp. 1-13.
- GINDIN, Th. E. (2003), "The Tafsir of Ezekiel: Four Copyists or Four Authors?", *Persian Origins: Early Judaeo-Persian and the Emergence of New Persian*, ed. L. PAUL, Harrassowitz Verlag, Wiesbaden, pp. 15-30.
- GNOLI, Gh. (1964), *Le iscrizioni giudeo-persiane del Gūr (Afghanistan)*, Istituto Italiano per il Medio ed Estremo Oriente, Roma.

- HENNING, W. B. (1957), "The Inscriptions of Tang-i Azao", *BSOAS*, XX, pp. 335-342.
- (1958), "Mitteliranisch", *Handbuch der Orientalistik*, erste Abteilung, Band IV, Abschnitt 1, Linguistik, E. J. Brill, Leiden-Köln, pp. 20-130.
- (1962), "Persian Poetical Manuscripts from the Time of Rūdākī", *A Locust's Leg. Studies in Honour of S. H. Taqizadeh*, London, pp. 89-104.
- LAZARD, G. (1963), *La langue des plus anciens monuments de la prose persane*, Librairie C. Klincksieck, Paris.
- (1968), "La dialectologie du judéo-persan", *Studies in Bibliography and Booklore (Cincinnati)* VIII, 2-4, pp. 77-98.
- (1988), "Remarques sur le fragment judéo-persan de Dandān-Uiliq", *A Green Leaf, Papers in Honour of Professor Jes P. Asmussen*, Leiden, pp. 205-209.
- (1995), "Dialectologie de la langue persane d'après les textes des X^e et XI^e siècles ap. J.-C.", *La formation de la langue persane*, Institut d'études iraniennes, Paris, pp. 17-26 (Repris de *Revue de la Faculté des Lettres de Tabriz* 13 [1961]).
- MACKENZIE, D. N. (1966), "Ad Judaeo-Persica II Hafniensia", *JRAS*, p. 69.
- (1968), "An Early Jewish Persian Argument", *BSOAS*, XXXI, pp. 249-269.
- MAQĠĠI, M. (2003), "New Persian Glosses in East Syriac Texts of the Eighth to Tenth Centuries", *Persian Origins: Early Judaeo-Persian and the Emergence of New Persian*, ed. L. PAUL, Harrassowitz Verlag, Wiesbaden, pp. 111-145.
- MARQOLIOUTH, D. S. (1899), "A Jewish-Persian Law Report", *Jewish Quarterly Review*, XI, pp. 671-675.
- (1903), "An Early Judaeo-Persian Document from Khotan, in the Stein Collection, with Other Early Persian Documents", *JRAS*, pp. 747-760.
- MINORSKY, V. (1942), "Some Early Documents in Persian (I)", *JRAS*, pp. 181-194.
- MILLER, F. W. K. (1904). "Handschriften-Reste", II. *Abh. Preuss. Akad. Wiss.*, pp. 95, 106.
- (1915), "Ein syrisch-neupersisches Psalmenstück aus Chinesisch-Turkistan", *Festschrift Eduard Sachau*, Berlin, pp. 215-224.
- ORSATTI, P. (2003), "Syro-Persian Formulas in Poetic Form in Baptism Liturgy", *Persian Origins: Early Judaeo-Persian and the Emergence of New Persian*, ed. L. PAUL, Harrassowitz Verlag, Wiesbaden, pp. 147-176.
- PAPER, H. H. (1965a), "The Vatican Judeo-Persian Pentateuch: Genesis", *Acta Orientalia*, XXVIII, 3-4, pp. 263-340.
- (1965b), "The Vatican Judeo-Persian Pentateuch: Exodus and Leviticus", *Acta Orientalia*, XXIX, 1-2, pp. 75-181.
- (1966), "The Vatican Judeo-Persian Pentateuch: Numbers", *Acta Orientalia*, XXIX, 3-4, pp. 253-310.

- (1968), “The Vatican Judeo-Persian Pentateuch: Deuteronomy”, *Acta Orientalia*, XXXI, pp. 55-113.
- PAUL, L. (2003), “Early Judaeo-Persian in a Historical Perspective: The Case of the Prepositions *be*, *u*, *pa(d)*, and the Suffix *rā*”, *Persian Origins: Early Judaeo-Persian and the Emergence of New Persian*, ed. L. PAUL, Harrassowitz Verlag, Wiesbaden, pp. 177-194.
- RAPP, E. L. (1967), “The Date of the Judaeo-Persian Inscriptions of Tang-i Azaq in Central Afghanistan”, *East and West*, 17, pp. 51-58.
- SALEMANN, C. (1900), “Zum mittelpersischen Passiv”, *Izvestija Imperatorskoj Akademii Nauk*, 13/3, pp. 269-276.
- (1904-1905), “Po povodu evrejsko-persidskogo otryvka iz Xotana”, *Zapiski Vostočnogo Otdelenija*, XVI, pp. 046-057.
- SHAKED, SH. (1971), “Judaeo-Persian Notes”, *Israel Oriental Studies*, 1, pp. 178-182.
- (1972), “Te’uda Qara’it Qeduma be-Parsit Yehudit [An Early Karaite Document in Judaeo-Persian]”, *Tarbiz*, 41, pp. 49-58.
- (1982), “Fragments of Two Karaite Commentaries on Daniel in Judaeo-Persian”, *Irano-Judaica*, pp. 304-322.
- (2003), “Early Judaeo-Persian Texts, with Notes on a Commentary to Genesis”, *Persian Origins: Early Judaeo-Persian and the Emergence of New Persian*, ed. L. PAUL, Harrassowitz Verlag, Wiesbaden, pp. 195-219.
- SUNDERMANN, W. (1974), “Einige Bemerkungen zum syrisch-neupersischen Psalmenbruchstück aus Chinesisch-Turkistan”, *Mé morial Jean de Menasce*, ed. Ph. GIGNOUX and A. TAFAZZOLI, Louvain, pp. 441-452.
- (1989), “Ein manichäischer Bekenntnistext in neupersischer Sprache”, *Études irano-aryennes offertes à Gilbert Lazard*, Association pour l’avancement des études iraniennes, Paris, pp. 355-365.
- (2003), “Ein manichäischer Lehrtext in neupersischer Sprache”, *Persian Origins: Early Judaeo-Persian and the Emergence of New Persian*, ed. L. PAUL, Harrassowitz Verlag, Wiesbaden, pp. 243-274.
- UTAS, B. (1968-1969), “The Jewish-Persian Fragment from Dandān-Uiliq”, *Orientalia Suecana*, XVII, pp. 123-136.

